



تقدیم به پدران سرافرازمان:

به

روان پاک شهید معصوم صدرائی

و

سربلندی عبدالعلی علیون



شرق آشور

دژ حسنلو

دوره ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ ق.م IVB

به کوشش:
رابرت. اچ. دایسون و مری. آم. ویت

مترجمان:
علی صدرائی و صمد علیون

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱. بازیابی حسنلو	۱۱ رابرт هنری دایسون
۲. چشم اندازهایی از یک منظره عصر آهنی، گیاهان حسنلو	۲۹ مری ویرجینیا هریس
۳. نبرد حسنلو در اواخر قرن نهم ق.م.	۵۳ اسکار وايت ماسکارلا
۴. براقهای اسب از حسنلو	۷۹ مائده دوشائنسی
۵. نمادهای اقتدار مهرها و اثر مهرهای حسنلوی IVB	۱۱۰ میشل. ای. مارکوس
۶. متون آشوری کتیبه‌های آشورنصیرپال و پرسش شلمنصر سوم	۱۳۲ تامی. جی. م اشنايدر
۷. آغاز استفاده از آهن در حسنلو	۱۳۹ وینست. سی. پیگوت
۸. گنجیه‌های دریایی، صدف و زیورآلات صدفی از حسنلوی IVB	۱۶۷ دیوید. اس. ریس
۹. «جام زرین حسنلو»: سی سال بعد	۱۸۴ آرین. جی. وینتر
۱۰. معماری عصر آهن در حسنلو: گزارش تحقیقی	۲۲۹ رابرт هنری دایسون
نمايه....	۲۶۷

مقدمه مترجمان:

اشاره:

"سرزمین ما خصم‌های بی شماری دیده است. بدون شک اولین یورش‌ها به این سرزمین در دوران پیش از تاریخ صورت پذیرفته ولی از چگونگی و زمان آن اطلاع دقیقی در متون باستان شناسی موجود نیست. ولی در تحول فرهنگی منطقه از دگرگونی گونه‌های مختلف سفالی در سطح وسیعی از این خطه گزارش گردیده است. و اما آخرین خصم‌های منطقه که سی سال پیش قصد این دیار کرده و جنایتها نمودند و هنوز هم در اذهان عمومی از قضاوت‌ها و شقاوت‌های متجاوزین حکایت‌ها باقی است ولی این دیار همچنان با صلابت ایستاده است. بیشترین یورش‌های بیگانگان به این سرزمین در دوران تاریخی انجام پذیرفته که شاهد عینی آن دژ حسنلو است. این دژ در طول حیات خود بارها مورد تهاجم قرار گرفته و در آتش دژخیمان سوخته ولی دوباره به حیات خود ادامه داده یکی از این برده‌ها حساس تاریخی دوره IVB حسنلو است که تاریخ تأثرانگیزی دارد. شرق آشور، محل استقرار کوهستانی حسنلو عنوان مجموعه مقالاتی اختصاصی مجله اکسپدیشن EXPEDITION دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۱۹۸۹ جلد ۳۱ شماره‌های ۳ و ۲ است که به کوشش پروفسور رابرت. اج. دایسون سرپرست هیئت حفاری پروژه حسنلو و دکتر مری. ام. ویت به چاپ رسیده است. با توجه به اهمیت موضوعات مطرح شده در این مجموعه که عنوان یکی از مهمترین منابع باستان شناسی در دوره تاریخی به حساب می‌آید و نکات مبهم بسیار زیادی را در دنیای باستان شناسی آشکار می‌سازد لذا نگارندگان عزم بر ترجمه این اثر ارزشمند نموده‌اند. این مجموعه در ده مقاله تخصصی تنظیم و ارائه گردیده است که به معرفی مختصر و اجمالی آنها پرداخته می‌شود.

موقعیت و اقلیم:

تپه حسنلو در دشت سولدوز و در ضلع جنوب غربی دریاچه ارومیه در استان آذربایجان غربی واقع شده است. این تپه در مختصات جغرافیایی، ۳۷ درجه و صفر دقیقه و ۱۶/۶۰ ثانیه عرض جغرافیایی و ۴۵ درجه و ۲۷ دقیقه و ۳۲/۳۰ ثانیه طول جغرافیایی و در غرب دهستان حسنلو قرار دارد. درباره نام این تپه اطلاع دقیقی در دست نیست و به نام روستای همچوار خود مشهور گردیده است. این محوطه از دو بخش توپوگرافیکی شامل یک تپه مرتفع مرکزی که در متون باستانی به تپه ارک مشهور است و دیگری تپه جانبی تشکیل شده است. تپه مرکزی ۲۵ متر بالاتر از دشت پیرامونی و ۲۷/۵ متر بالاتر از سطح سفره آب منطقه قرار دارد. قطر آن ۲۰۰ متر و عرض آن در حدود ۶۰۰ متر است، و اما تپه جانبی در حدود ۸ متر از زمینهای کشاورزی مجاور ارتفاع دارد و تعیین حدود و ثغور آن مشکل است. بخش‌های جنوبی و غربی محوطه بوسیله روستای امینلو و زمینهای کشاورزی و باغات آن و بخش‌های شرقی و شمالی آن بوسیله روستای حسنلو و زمینهای کشاورزی و باغات آن احاطه گردیده است.

بطور مسلم مساحت آن از دیدگاه نگارندگان بسیار زیادتر از دید فعلی است. چرا که تا مسافت‌های

طولانی لایه‌های مختلف باستانی را بعینه مشاهده نموده‌ایم. آنچه از دیدگاه ما قابل طرح است اینکه مساحت شهر تاریخی حسنلو مطمئناً بیش از نوشه‌های متون تاریخی معاصرین است.

عمده شهرت این تپه مدیون حفاریهای هیئت آمریکایی به سرپرستی رابت دایسون در سالهای قبل از انقلاب (۱۹۵۷-۱۹۷۷ م.) و کشف غیرمنتظره جام زرین حسنلو در سال ۱۹۵۸ م. است. هر چند در طول ۵۰ فصل حفاری هیئت مذکور کل ارک حفاری نگردیده است ولی بخش‌های حفاری شده دریایی از اطلاعات و داده‌های فرهنگی - تاریخی است که در طول این مدت شاهد صدھا مقاله علمی - تحقیقاتی از تپه فوق بوده‌ایم.

- گفتار اول: (بازیابی حسنلو)

رابت هنری دایسون در فاصله سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۷ م. سرپرستی پروژه حسنلو در شمال غرب ایران بر عهده داشت. بیش از آن وی در محوطه‌های اریحا در اردن، نیپور در عراق، شوش در ایران و جزیره بحرین در خلیج فارس به فعالیت پرداخته بود. وی در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ م. ریاست دانشکده هنرها و علوم دانشگاه پنسیلوانیا را عهده دار بود. در سال ۱۹۸۲ م. به مدیریت موزه دانشگاه انتخاب شد. وی مقالات متعددی را در زمینه باستان‌شناسی ایران بویژه حسنلو منتشر کرده است. بازیابی حسنلو یکی از این مقالات است که در آن دایسون به روند کشف و تفسیر، مشکل نتیجه گیریهای اولیه در حفاریها و حفاریهای تپه مرکزی، چالشهای تفسیر، تپه حسنلو پرداخته است.

- گفتار دوم: (چشم اندازهایی از یک منظره عصر آهنی، گیاهان حسنلو)

مری ویرجینیا هریس لیسانسیه دانشگاه واشنگتن و فوق لیسانس رشته تاریخ مشروطیت انگلیس از دانشگاه شیکاگو است. وی پس از هشت سال ریاست کالج بازنیسته شده در سال ۱۹۵۷ م. داوطلب کار در موزه دانشگاه گردید. در سال ۱۹۶۸ م. رابت هنری دایسون از وی دعوت کرد تا به عنوان مسئول ثبت در حفاریهای تپه حاجی فیروز به پروژه حسنلو بپیوندد. خانم هریس پس از آن تاریخ به عنوان مسئول ثبت حفاریهای موزه دانشگاه در حسنلو، دینخواه، مليان، گبرشیخان و حصار به فعالیت پرداخت. و در زمان انتشار مجله فوق مسئول ثبت پروژه حسنلو فعالیت می‌کرد. وی زمانی که در ایران به سر برده به گلهای وحشی علاقمند شد و از بسیاری از نمونه‌های این گلهای که در مقاله حاضر اشاره شدند عکسبرداری کرده مقاله نامبرده منظره امروزی و منظره باستانی و گلهای وحشی عصر آهنی مکشوفه از حفاریهای تپه حسنلو که بر اثر شناورسازی از جمله جگن‌ها و گندمیان، محصولات غذایی (غلات، سبزیجات، میوه‌ها) و بویژه بقایای درختان مکشوفه از حفاری حسنلو پرداخته است.

- گفتار سوم: (خبر حسنلو در اواخر قرن نهم ق.م)

اسکار وايت ماسکارلا از پژوهشگران ارشد بخش خاور نزدیک باستان در موزه هنر متروپولیتن است. وی لیسانس خود را در رشته تاریخ جدید از سیتی کالج نیویورک و دکتری خود را در رشته باستان‌شناسی

کلاسیک از دانشگاه پنسیلوانیا اخذ کرده است. وی کاوش‌هایی را در داکوتای جنوبی در کلورادو و گوردون در ترکیه و محوطه‌های زیادی از جمله قلاتگاه و ... انجام داده است. ماسکارلا به باستان شناسی عصر آهن در خاور نزدیک، مناسبات فرهنگی یونان و خاور نزدیک در قرون هشتم و هفتم ق.م و موضوع آثار هنری تقلتی در هنر خاور نزدیک باستان علاقمند است. از جمله کتابهای وی برنز و آهن، صنایع دستی خاور نزدیک باستان است که موزه متropolitain منتشر کرده است. مقاله نامبرده شاید تراژدی‌ترین بخش این مجله است که در آن به مسئله نبرد در خاور نزدیک، جنگجویان حسنلو، ابزار و ادوات جنگی، و از همه مهمتر به قربانیان این نبرد در حسنلو دوره IVB و اینکه چه کسانی حسنلو را به آتش کشیدند پرداخته است.

- گفتار چهارم : (یراقهای اسب از حسنلو)

مائده دوشائنسی نویسنده مقاله چهارم مجموعه حاضر لیسانس خود را در سال ۱۹۵۸ م. از کالج ولسلی دریافت کرد. و از سال ۱۹۷۹ م. مسئول مجموعه‌های ایران و بین‌النهرین بوده است. خانم دوشائنسی در شش فصل حفاری پروژه حسنلو بین سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۵۹ م. مشارکت داشت. مقاله نامبرده به تجهیزات اسب و اصطبلها و اسکلت‌های اسب، دهندها و لگام‌ها، اربه‌ها، افسارها، پلاک‌ها و سینه بندها، مکشوفه از حسنلو و همچنین و ضمائمی از واژگان تخصصی تجهیزات اسب اشاره دارد.

- گفتار پنجم : (نمادهای اقتدار، مهرها و اثر مهرهای حسنلوی IVB)

میشل.ای. مارکوس در سال ۱۹۸۸ م. دکترای خود را از دانشگاه پنسیلوانیا در رشته تاریخ هنر اخذ کرد. وی در رساله دکترای خود که با موضوع مهرها و اثر مهرهای حسنلو است شیوه‌ها و مسائل تاریخ هنر را با مدارک باستان شناختی و کاربردی تلفیق کرده است. دکتر مارکوس عمدتاً به هنر و تاریخ فرهنگی خاور نزدیک باستان و به ویژه آشوریان و ایرانیان در اوایل هزاره اول ق.م پرداخته است. تز دکترای ایشان در سال ۱۹۹۶ م. توسط دانشگاه پنسیلوانیا منتشر گردید. مقاله ایشان اختصاص به مهرها و اثر مهرهای سبک محلی حسنلو، سبک منطقه‌ای، و مهرهای وارداتی منطقه سوری - فلسطینی، آشوریان نو و همچنین نمادهای قدرت دنیا در باستان است.

گفتار ششم: (متون آشوری، کتیبه‌های آشور نصیر پال و پرسش)

تامی.جی اشنايدر نویسنده مقاله فوق در سال ۱۹۸۴ م. لیسانس خود را از دانشگاه مینسوتا دریافت کرد. و دکترای خود را در بخش تاریخ باستان دانشگاه پنسیلوانیا اخذ نمود. موضوع رساله ایشان تحلیل تاریخی و ادبی سالنامه‌های سلمانصر سوم است.

اگرچه در حسنلوی IVB کتیبه‌ای یافت نشده است ولی خانم اشنايدر با توجه به کتیبه‌های آشوریان و تحلیل تاریخی انها سرنخهای مهمی در شناخت پیچیده آن دوره ارائه می‌دهد.

- گفتار هفتم: (آغاز استفاده از آهن در حسنلو)

وینسنت.سی. پیگوت نویسنده مقاله مذکور دوره‌های آموزش باستان شناسی را در دانشگاه پنسیلوانیا گذراند و در سال ۱۹۷۹ م. مرکز علوم کاربردی موزه دانشگاه پیوست. از آن به بعد، پژوهش‌های میدانی و تحقیقاتی وی در آزمایشگاه MASCA معطوف به مسائل مربوط به شکل گیری فلزگری و ظهور استفاده از فلز در سراسر جنوب غرب، جنوب و در نهایت جنوب شرق آسیا گردید.

وی در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ م. به پژوهش‌های میدانی در حسنلو پرداخت و دستیار سرپرست کاوشهای فصل ۱۹۷۴ بود. رساله دکترای وی بر اساس مطالعات میدانی وی در محوطه حسنلو نوشته شده است. نامبرده از سال ۱۹۸۴ م. سرپرست پروژه باستان متالوژی تایلند شده و در مرکز تایلند نیز به حفاری دستهای از استقرارهای پیش از تاریخ که شواهد مربوط به گداخت مس از آنها یافت شده پرداخته است. مقاله نامبرده با ظهور آهنگری در مناطق جنوب غربی آسیا آغاز و سپس به شواهد تولید آهن در جنوب غربی آسیا را اشاره کرده بعد وارد مبحث تولید آهن در حسنلو گردید. و در خلال بحث‌هاییش مدارک تولید محلی آهن در حسنلو را بیان می‌نماید که بحث متمرثمری است.

در ادامه مقاله کاربردهای آهن در حسنلو و سپس ارتباطات حسنلو با آشور و تحول اجتماعی آهن که بعنوان یک شاخصه در دنیای باستان محسوب می‌گردد، ارائه نموده است. در ضمایم مقاله تکنولوژی ریخته جوش و متالوگرافی آهن و واژگان فنی اشاره شده است.

- گفتار هشتم: (گنجینه‌های دریایی، صدف و زیورآلات صدفی از حسنلوی IVB)

هشتمین مقاله‌ی مجله حاضر توسط دیوید.اس.ریس ارائه گردیده است. و ریس در دانشگاه هاروارد به مطالعه باستان شناسی و جانورشناسی پرداخت و دکترای خود را در رشته باستان شناسی از دانشگاه کمبریج اخذ کرد. وی از پژوهشگران بخش انسان شناسی موزه سیار تاریخ طبیعی و مؤسسه اوریانتال دانشگاه شیکاگو بود. دکترای ریس صدفها و استخوانهای حیوانات محوطه‌های متعددی را در حوضه دریای مدیترانه، خاور نزدیک و امریکای شمالی است. یافته‌های دریایی حسنلو که شامل صدفها است که این گونه‌ها بعنوان زیورآلات در حسنلو استفاده نموده‌اند که جزء دو گروه خلیج فارس ۹۹ درصد، دریای مدیترانه با یک درصد تقسیم شده‌اند. در ضمیمه مقاله فوق محل کشف این صدفها در ارک حسنلو IVB توسط رابت هنری دایسون و مری ویت مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است.

- گفتار نهم: (جام زرین حسنلو، سی سال بعد)

مفصل ترین مقاله مجلد حاضر مقاله آیرین.جی.وینتر و مربوط به "جام زرین" حسنلو است. وینتر استاد دپارتمان هنرهای دانشگاه هاروارد بوده و از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۸ م. در دانشگاه پنسیلوانیا به تدریس پرداخته است. وینتر دارای لیسانس انسان شناسی از کالج بارنارد و فوق لیسانس زبانها و تمدن‌های خاور نزدیک از دانشگاه شیکاگو و دکترای تاریخ هنر در دانشگاه کلمبیا است. وی این سه رشته را در مطالعات خود بر روی هنر خاور

نژدیک تلفیق کرده است. وی در کاوش‌های گودین تپه در سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ م. و محوطه حسنلو در سال ۱۹۷۴ م. شرکت داشته است. مقاله جام زرین وی پیرامون سه محور اساسی تبیین گردیده است. کجا و کی؟ مکان و زمان ساخت جام، چه چیز؟ شمایل نگاری و تفسیرروایی موتیف‌های جام، چه کسی؟ مناسبات زبانی، قومی و فرهنگی که به اقوام ایرانیان، هوریان، اورارت‌ها، مهاجران هند و اروپایی و غیره پرداخته است. و در ضمنیه مقاله واژگان اسمی خدایان و زبان مردم هوری و زبانهای مردمان هند و اروپایی ارائه گردیده است.

- گفتار دهم : (معماری عصر آهن در حسنلو، گزارش تحقیقی)

آخرین مقاله مجلد حاضر در واقع جمع بندی و گزارش تحقیقی پرسوسور رابرت هنری دایسون سرپرست هیئت کاوش تپه حسنلو در خصوص معماری عصر آهن یعنی دوره IVB حسنلو است. اهمیت آثار مکشوفه از تپه حسنلو از زوایای مختلفی قابل بررسی است.

بناهای سالم با قدمت قرن نهم از جمله ساختمنها، دروازه‌ها، حیاطها و معبرها و هزاران اثر فرهنگی - تاریخی در ویرانه‌های این دژ همه و همه حکایت از دوران شکوه و عظمت ساکنان این محوطه می‌باشد که از رفاه نسبی و ثروت بالایی برخوردار بوده‌اند و این ثروت مرهون حضور یک مقام دولتی قدرتمند در حسنلو است. ولی متأسفانه این شکوه و عظمت در فاصله بین سالهای ۱۲۵۰ ق.م تا ۷۵۰ ق.م. سه بار مورد آتش سوزی و تخریب قرار گرفته که آثار حسنلوی IVB مطالب این مجلد است.

مقاله دایسون با معرفی تپه حسنلو آغاز و سپس به تاریخچه حفاریهای عصر آهن در شمال ایران و حسنلوی V و حفاریهای حسنلوی IV ، ساختمنها، حیاطها، پلانهای طبقات بالا و پائین توزیع اشیاء در ساختمنها، کاربری ساختمنها و در نهایت معماری بعنوان نماد حسنلو مطرح گردیده است. امید است این مجموعه در شناسایی بخشی از تمدن خطه سولدوز مؤثر باشد.

در پایان مراتب تشکر و قدردانی خویش را از اساتید و همکاران بزرگواران جناب آقای ناصر نوروززاده چگینی، جناب آقای منصور آبیار و جناب آقای احمد چایچی و جناب آقای مهرداد ملک زاده و کلیه سرورانی که ما در را در انجام این امر مهم یاری نموده‌اند اعلام می‌نماییم. و همچنین از زحمات و عنایات جناب آقای محمد علی مخلصی مدیر محترم انتشارات گنجینه هنر تشکر ویژه داریم.

به امید انتشار مجموعه‌های دیگر این تمدن خفته ،

بازیابی حسنلو*

رابت هنری دایسون

در سال ۱۹۵۸ م کشف غیرمنتظره «جام زرین حسنلو» از یک لایه استقراری سوخته در محوطه حسنلو، حفاریهای گستردۀ ای را در استقرار عصر آهن متقدّم این محوطه در پی داشت. حسنلو در منطقه آذربایجان واقع است، این دورۀ فرهنگی پیش از تاریخی در نیمة دوم هزارۀ دوم ق.م. آغاز و در حدود سال ۸۰۰ ق.م. خاتمه می‌یابد. قدمت بقایای جدیدتر این محوطه نیز که مربوط به عصر آهن هستند، به ادوار تاریخی اوراتوها و هخامنشیان بر می‌گردد. حفاریهای گستردۀ حسنلو از سال ۱۹۵۷ م تا تابستان ۱۹۷۷ م در قالب «پروژه حسنلو» به اجرا در آمد و تأمین هزینه‌های آن را موزه دانشگاه پنسیلوانیا و موزه هنر متروپولیتن نیویورک و اداره کل باستان‌شناسی ایران عهده‌دار بودند.

هدف کلی این پروژه در بدّو امر، بازسازی تاریخ فرهنگی دره سولدوز – اشنویه تعیین شده بود. این هدف باید از طریق حفاری دستهای از لایه‌های استقراری که دوره پیش از تاریخ این منطقه را شکل می‌داد محقق می‌گردید، دوره‌ای که با اولین استقرارهای نوسنگی در حدود ۶۰۰۰ ق.م. آغاز می‌شود و با تصرف ایران به دست اسکندر کبیر در قرن چهارم ق.م. خاتمه می‌یابد. در راستای تحقیق این هدف کلی، علاوه بر حسنلو محوطه‌های متعدد دیگری نیز حفاری شدند، اما کانون این تحقیقات عصر آهن به شمار می‌رفت. این مطالعه، مطالعه‌ای طولانی مدت و چندرشته‌ای بود و به مدلی برای پروژه‌های متعدد بعدی در سایر بخش‌های ایران مبدل گردید.

تبیین تحولات فرهنگی منطقه باید صرفاً بر پایه مدارک باستان‌شناسی و مستقل از مباحثات و نظریه‌پردازیهای زبان‌شناسی صورت می‌گرفت که بر پایه مدارک تاریخی به دست آمده از مناطق همجوار استوار بودند. بعدها پژوهشگران دیگری از این گونه مباحث در تبیین اقوام ساکن در آذربایجان و تفسیر بقایای عصر آهن حسنلو استفاده کرده‌اند. نظر به اینکه روند تحلیل مواد فرهنگی حسنلو همچنان در جریان است، نظریات این پژوهشگران را باید موقّتی و غیرقطعی قلمداد کرد.

*—"Rediscovering Hasanlu"

روند کشف و تفسیر

در هر پروژه باستان‌شناسی، روند کشف و تفسیر متضمن رابطه پیچیده استراتژی کاوش با تحلیل دامنه دار داده‌های کشف شده می‌باشد. با پیشرفت حفاری، مواد فرهنگی یافت شده مستقیماً بر تفسیر نهشته‌های برخور دشده تأثیر می‌گذارند و برخی پرسشهای فنی را مطرح می‌سازند که پاسخگویی به آنها اغلب صرفاً در سایه حفاری‌های بعدی میسر می‌گردد. در عین حال، مطالعه بر روی اینه و اشیای یافتشده، شدیداً به کشف بقایای جدید در سایر محوطه‌ها و نتیجتاً تجدیدنظر در ساختارهای کلی تاریخی یا نظری تفسیر وابسته می‌باشد. این روند تعاملی، روند یادگیری مستمر است و می‌طلبید که دیدگاهها و نتایجی که در هر مرحله از مطالعه شکل می‌گیرند، به صورت ادواری مورد بازنگری قرار گیرند. به طور مثال، فرضیه‌هایی که در دهه ۱۹۶۰ م در خصوص عصر آهن در غرب ایران وضع شده بود، اکنون به واسطه کشف داده‌های جدید مورد بازنگری قرار گرفته است (قس: یانگ ۱۹۶۳ و ۱۹۵۸). این روند ارزش کار میدانی مستمر را نشان می‌دهد و نیاز به مدت زمان بسیار طولانی برای ارایه گزارش‌های نهایی منسجم پس از اتمام کار میدانی را توجیه می‌کند.

مشکل نتیجه‌گیری‌های اولیه

كاوشگر با اتمام یک فصل کار میدانی به پاره‌ای عقاید و نظریات اولیه می‌رسد که برخی از آنها ظاهرآ نتیجه‌گیری‌های روشنی است که بر مبنای اطلاعات موجود اتخاذ شده‌اند. کسانی که فعالیتهای پروژه را دنبال می‌کنند، به دنبال هر فصل کار میدانی می‌خواهند تفسیری فوری از یافته‌ها داشته باشند: قدمت آنها چقدر است؟ چه کارکردی داشتند؟ چگونه ساخته شده‌اند؟ سازندگان آنها کیست؟ و الى آخر. معمولاً کاوشگر در گزارش مقدماتی پاسخ معقولی به این پرسشها ارایه می‌دهد. با تداوم کار میدانی، این پاسخها بالاجبار محکوم به جرح و تعدیل است و یا حتی بطلان آنها مشخص می‌شود. به طور مثال، در حسنلو ما حصار دفاعی اصلی به عرض ۳ متر یافته بودیم که دارای پی‌های سنگی عظیم، بسیتون و برج بود و گردآگرد قسمت بالایی تپه مرکزی را احاطه می‌کرد (شکلهای ۴ و ۶). در سال ۱۹۵۸ م این حصار را به لایه سوخته عصر آهنی سال ۸۰۰ ق.م. (حسنلوی IVB) منسوب کردیم. اکنون به صراحت می‌دانیم که این نتیجه‌گیری اشتباه بود و این حصار به اسقرار متأخر اوراتویی محوطه تعلق داشت (دوره IIIIB، نک: شکل ۵). چه عاملی سبب این اشتباه شده بود؟ پاسخ به این پرسش، موضوع روند کشف و تفسیر یادشده در بالا را تشریح می‌سازد.

در زمان کشف این حصار هیچ سازه مشابهی از منطقه آذربایجان منتشر نشده بود. پس از سال ۱۹۶۰ م بود که در نتیجه بررسیهای هئیتهای میدانی مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در تهران، گزارش بنای اوراتویی با قدمت قطعی انتشار یافت. یکی از ثمرات این بررسیها تجدیدنظر در قدمت حصار حسنلو بود، تجدیدنظری که حفاری‌های بعدی نیز از آن حکایت می‌کرد.

این حصار در جریان حفاری ساختمان سوخته I غربی (شکل‌های ۴ و ۱۱) کشف گردید. حفاریها در سطح سوخته و سیاهرنگ تالار ستوندار مرکزی این ساختمان ادامه یافته و دقیقاً در مقابل پی سنگی حصار خاتمه یافته بود. حصار قائم بر دیوار جانبی تالار قرار داشت و ظاهرآ دیوار پشتی این اتاق را شکل می‌داد. از آنجا که مدارک دیگری در رد نتیجه‌گیری ما وجود نداشت، به این نتیجه رسیدیم که بنای یکپارچه‌ای را یافته‌ایم که به دوره آتش‌سوزی خانمان سوز محوطه تعلق داشت (حسنلوی IVB).

کشف نخاله‌های سوخته در برابر سایر بخش‌های حصار در داخل دروازه غربی مجاور و در پای برج ۴ (شکل ۶) علی‌الظاهر بر این نتیجه گیری صحیح می‌گذشت. چهار سال بعد (در سال ۱۹۶۲) ساختمان سوخته III در ربع شمال غربی تپه مرکزی کشف شد و این الگو در اینجا نیز تکرار شده بود. یعنی به نظر می‌رسید نمای داخلی حصار، دیوار پشتی اتاق مستطیلی شکل واقع در پشت ساختمان را شکل می‌داد.

در سال ۱۹۷۲ م به دنبال خاکبرداری بخش جنوبی تپه در پشت ساختمان سوخته II بود که با کشف یک برش لایه‌نگاری که در وضعیت خوبی قرار داشت، به صراحت مشخص شد که این حصار در داخل کanal بسیار بزرگی که در میان ویرانه‌های سوخته حسنلوی IVB (شکل‌های ۷ و ۱۱) حفر شده بود افراشته شده است. اکنون می‌توانستیم بینیم که این حصار در دوره متعاقب یعنی دوره اورارتون در قرن هشتم / هفتم ق.م. احداث شده است (حسنلوی III؛ شکل‌های ۶ و ۸). موقعیت لایه‌نگاری حصار (در داخل کanal پی که بر روی ساختمان سوخته II حفر شده)، سفالهای متعلق به زمان استفاده از حصار و پلان حصار، مبنای این تفسیر بود. پلان این حصار از برخی فیجرهای مشابه به قلعه‌های اورارتونی همان دوره برخوردار بود که اخیراً در سایر مناطق شمالی آذربایجان ثبت شده‌اند. در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ م با کشف شبکه راههای ورودی در دامنه غربی تپه، این لایه‌نگاری تأیید گردید (شکل ۱۱). کل روند کشف و تفسیر نهایی شش فصل میدانی معادل دوازده سال به طول انجامید!

حفاریهای تپه مرکزی

حسنلو بزرگترین محوطه در دره رود گدار است که از کوههای زاگرس در غرب سرچشمه می‌گیرد و به سمت شرق تا سواحل جنوبی تالاب دریاچه ارومیه جریان می‌یابد. نیمه غربی این دره اشنویه و نیمه شرقی آن سولدوز نامیده می‌شود. این دره پل ارتباطی مستقیمی میان مرزهای آشور در غرب و مناطق کوهستانی ایران در شرق به شمار می‌رفت.

محوطه حسنلو تپه مرکزی مرتفعی را با ارتفاع ۲۵ متر از سطح دشت و قطر ۲۰۰ متر درستیغ تپه شامل می‌شود («تپه مرکزی» که اغلب با عنوان «ارک» خوانده شده است). در پای تپه مرکزی، یک تپه کم ارتفاع جانبی با ارتفاع هشت متر قرار دارد («تپه کم ارتفاع» که به صورت «شهر بیرونی» نیز خوانده می‌شود). عرض این محوطه در عریض‌ترین بخش تپه حدود ۶۰۰ متر است (شکل‌های ۱ و ۳). حدود و ثغور کنونی تپه حسنلو نماینده ابعاد واقعی آن

نیست، زیرا در حاشیه تپه جانبی تاکستانهایی احداث شده و بخشی از محوطه نیز اکنون در زیر روستای کنونی حسنلو قرار گرفته است.

بخش‌های متعددی از تپه جانبی در طی چندین سال حفاری شده بود. این بخش از محوطه در عصر آهن به عنوان قبرستان استفاده می‌شد و تعدادی قبر به ویژه در بخش شمالی آن کشف شده است (نک: دایسون، «معماری»، مجلد حاضر). به واقع آثار یافت شده از همین قبرها بود که در دهه ۱۹۳۰ م توجه باستان‌شناسان را معطوف حسنلو ساخت و سبب شد تا سر اول اشتاین، باستان‌شناس انگلیسی، از این محوطه بازدید کرده و گمانه‌های کوچک پرشماری را در سال ۱۹۳۶ م در محوطه حفاری کند.

حفاریهای نظاممند «پروژه حسنلو» در سال ۱۹۵۸ م در بالای تپه مرکزی آغاز شد و تقریباً بلا فاصله لایه سوخته‌ای که در نهایت حسنلو IVB نامگذاری گردید نمایان گشت. این مجموعه قابل توجه شامل بناهای خشتی بود که هنوز دو تا سه متر از ارتفاع آنها باقی مانده و با آوارهای سوخته پر شده بود (شکل‌های ۹ و ۱۱). بسیاری از محتویات این بناها همچنان در روی کف طبقه اول قرار داشتند و در زیر آوارهای فرو ریخته طبقه دوم که حاوی اشیاء دیگری بود مدفون شده بودند.

بخش وسیعی از نیمه جنوبی تپه مرکزی خاکبرداری شد و دسته‌ای از ساختمانهایی که در اطراف حیاطهای بالایی و پایینی احداث شده بودند (شکل‌های ۱۱ و ۱۲) کشف گردید. در حفاریهای قسمت غربی تپه آثار شبکه‌ای از راههای ورودی متشکل از سه معبر و دروازه و یک ساختمان بزرگ دیگر به همراه بقایای معماری مرتبط با آن یافت شدند (ساختمان سوخته III). در داخل ساختمانها مقادیر بسیار زیادی ذغال وجود داشت. آزمایشات رادیوکربن این مواد فرهنگی، مدارکی در خصوص ارتباط زمانی مابین بخش‌های مختلف محوطه و مابین واحدهای معماری منفرد در اختیار ما قرار داده است. این گاهنگاری مستقل از سفال و اشیاء است. تاریخ گذاریهای رادیوکربن همچنین مدارکی در خصوص تاریخ گذاری مطلق محوطه فراهم می‌آورد (شکل ۵؛ همچنین نک: دایسون و ماسکارلا، ۱۹۸۹).

چالشهای تفسیر

به جاماندن مقادیر بسیار زیادی از اشیاء در داخل بناها و مدفون شدن ناگهانی و غیرمنتظره آنها در پی فروریزی ساختمانهای سوخته، فرست کم نظیری را برای مطالعه مجموعه سبکها و گونه‌های معاصر اشیاء و شیوه‌های ساخت آنها فراهم آورده است. ویرانه‌های سوخته حسنلو IVB آخرین نقطه‌ای است که این اشیای پرشمار بر روی آن افتاده‌اند، با این حال منشأ زمانی و مکانی و کار کرد این اشیاء همچنان از چالشهای امر تفسیر به شمار می‌رond و باید مقوله به مقوله و حتی شیء به شیء مورد مطالعه قرار گیرند. چنین مطالعه‌ای بسیار دشوار و پیچیده خواهد بود، اما می‌توان با مدل نظر قرار دادن موقعیت جغرافیایی حسنلو و بهره‌گیری از یک مدل تحلیلی که برای استفاده در شرایط

مشابه در مناطق همجوار آسیا ابداع شده است، به این کار دست زد.

با توجه به موقعیت جغرافیایی حسنلو که بر سر راه جاده‌های تجاری منشعب از قلمرو اورارت‌و در شمال، آشور و سوریه در غرب و ماننا در جنوب شرق واقع است، می‌توان ماهیت التقاطی معماری و مجموعه اشیای یافت شده از حسنلو را توجیه کرد (شکل ۱۳). این جاده‌های تجاری (که در لشکرکشیها نیز از آنها استفاده می‌شد) می‌توانست انتقال مواد، اشیاء، صنعتگران، معلمات و مقامات دولتی را از شهرهای مجاور به دشت سولدوز تسهیل کند.

بی‌شک خارجیان چه در قالب مسافر و چه در قالب افراد ساکن، در محوطه حسنلو حضور داشتند، موضوعی که در دوره‌های متأخر در پاسارگاد، تخت جمشید، شوش و بابل صراحتاً اثبات شده است (شکل ۱۳). به طور مثال گروههای قومی که برای دولت هخامنشی کار می‌کردند و در شهرهای آن حضور داشتند عبارت بودند از: کاپادوسي‌ها، لیدی‌ها، کاري‌ها و ايوني‌ها از آسياي صغير؛ سُعدی‌ها و باكتري‌ها از آسياي مرکزی؛ و بابليان و مصریان. با توجه به موقعیت مرزی حسنلو، می‌توان انتظار داشت صنعتگرانی از اورارت‌و، آشور، هور، ماننا، ماد و دولتهای دیگر در این محوطه حضور داشته باشند. نقش سیاسی احتمالی این خارجیان معلوم نیست، زیرا منابع مکتوبی در محوطه یافت نشده است. آنچه به طور حتم می‌دانیم اینکه، در عصر آهن اشیایی از مناطقی به دورستی عیلام و آشور به حسنلو راه یافته‌اند (شکلهای ۱۰ و ۱۲).

از میان مدل‌های پژوهش‌های فرهنگی، مدلی که به بیشترین میزان می‌تواند برای هدف کنونی ما سودمند باشد، مدلی است که در آن اقوام تازهوارد سنتهای خود را با سنتهای بومی یک منطقه ترکیب می‌کنند. گروههایی که رابطه نزدیکی با شخصیت‌های صاحب‌نام سیاسی و فرهنگی دارند، عادتاً همواره تلاش کرده‌اند با به کارگیری نمادها، سنتها و اشیای این شخصیت‌ها، وجهه و منزلت خود را بالاتر برند. به عبارت دقیق‌تر، رهبران سیاسی در این شهرهای جدید، آگاهانه مؤلفه‌هایی از سبکهای معماری را گرته‌برداری کرده‌اند تا نمادهای صوری قدرت دولتهای قدرتمند را به شهرهای خود انتقال دهند؛ کاری که به کرات توسط آشوریان، عیلامی‌ها و سایر رهبران بین‌النهرین و ایران باستان صورت گرفته است.

نمونه‌های بارزی را از چین روند التقاطی، می‌توان در مطالعات بوریس مارشاک و ساریانیدی در محوطه‌های اوایل تاریخی در باکتريا (افغانستان و آسياي مرکزی) مشاهده کرد. ساریانیدی در مطالعه‌ای که اخیراً بر روی محتويات مقابر تیلیاتپه انجام داده است، مقولاتی را معرفی می‌کند که می‌توان در تحلیل اشیای باستانی از آنها استفاده کرد (نک: ساریانیدی، ۱۹۹۰). قدمت قبرستان تیلیا به پایان شاهنشاهی یونانی‌باکتريا، سلف امپراطوری کوشان، برمی‌گردد (قرن اول ق.م. – قرن اول م). اشیای مکشوفه از این قبرستان بر اساس خاستگاه آنها این‌گونه طبقه‌بندی می‌شوند: الف) اشیای وارداتی از پارس (ایران)، هند، چین، سیبری و امپراطوری روم؛ ب) غنایمی که به اربابان اشغالگر یونه-چی چینی داده شده بود و شامل جواهر و میراثهای خانوادگی محلی بود؛ پ) اشیای تولید محلی که سبک آنها متأثر از سنتهای کلاسیک یونانی‌باکتريا بود؛ ت) اشیایی با ایمازهای التقاطی که از طریق

تلقيق نمادها و عناصر سبکی برگرفته از فرهنگهای فاخر همسایه و سنتهای سابق محلی خلق شده بود؛ و ث) اشیایی که سبکهایی کاملاً محلی داشت و برگرفته از سنتهای به جامانده از عصر برنز بود.

در میان اشیای مکشوفه از حسنلو نیز همین ترکیب مشابه دیده می‌شود و حکایت از خاستگاههای فرهنگی متعدد دارد: برخی از اشیاء وارداتی، برخی تقلید محلی، برخی منبع از سبکهای قدیمی محلی، برخی نیز التقاطی و برخی دیگر میراث اجدادی است. شناخت کامل فحوای فرهنگی و تاریخی این اشیاء مستلزم توجه به خاستگاه اولیه و نیز بررسی نقش آنها در جوامعی است که در آنها یافت شده‌اند. مقالاتی که در این شماره از مجله اکسپدیشن ارایه می‌شوند، هر یک از زوایای مختلف به موضوع چالشهای تفسیر می‌پردازند. اسرار پرشماری که در خلال این مقالات فاش خواهند شد، چارچوب روند بازیابی حسنلو را شکل می‌دهد.

كتاب شناسی

Bibliography

Dyson, Robert H., Jr., and Oscar White Muscarella

1989

“Constructing the Chronology and Historical Implications of Hasanlu IV.” *Iran* 27:1-27.

Oppenheim, A. Leo

1977

Ancient Mesopotamia: Portrait of a Dead Civilization. Rev. ed. Chicago university of Chicago Press.

Sarianidi, Viktor I.

1990

“The Golden Hoard of Bactria.” *National Geographic* 177(3): 50-75.

Young, T. Cuyler, Jr.

1963

Proto-historic Western Iran. Ph.D.diss., Dept, Of Anthropology , Univ of Pennsylvania.

1985

“Early Iron Age Iran Revisited: Preliminary Suggestions for the Reanalysis of Old Constructs.”

De l'Indus aux Balkans: Recueil a la memoire de Jean.

Deshayes, ed. J-L. Huot, M.Yon, Y. Calvet, pp. 361-378. Paris: Editions Recherche sur Les Civilizations.